



## خدا را چه کسی آفریده

**کلید واژه:** خداوند، آفریده، **مبدأ**، **علت**  
**پرسش:** اگر **خداوند** همه چیز را آفریده پس **خدا** را که آفریده است؟  
**پاسخ:**

### فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - خدا از دیدگاه فیلسوفان الهی
- ۳ - دیدگاه مادی گرایان
- ۳.۱ - پاسخ به شبه مادی گرایان
- ۳.۲ - پاسخ ساده تر به شبهه مادی گرایان
- ۴ - هستی خدا از کیست؟
- ۴.۱ - پاسخ شبهه
- ۵ - منبع جهت مطالعه
- ۶ - بانویس
- ۷ - منبع

### مقدمه

اصل این سوال از یک اشتباه سرچشمه گرفته است و آن اشتباه در این جمله است "هر موجودی ، مبدأ یا علتی دارد" . در حالی که جمله صحیح آن است که هر پدیده یا هر چیزی که نبوده و سپس به وجود آمده ، مبدأ و علتی لازم دارد.  
توضیح آن که: گاهی یک اشتباه یا مغالطه لفظی باعث می شود که مطلبی بسیار ساده به صورت یک سؤال یا اشکال مهم قلمداد شود.

### خدا از دیدگاه فیلسوفان الهی

فلاسفه الهی و همه **خداپرستان** معتقدند که هر معلولی، علت می خواهد و هر پدیده‌ای، پدید آورنده می‌خواهد و هر آفریده‌ای، آفریدگار می خواهد. از این جمله ها به خوبی روشن است چیزی که معلول، پدیده و آفریده نباشد، از این قانون خارج است و چون به عقیده خداپرستان خدا معلول و آفریده شده و پدیده نیست، از این قانون عمومی خارج است.

### دیدگاه مادی گرایان

مادی گرایان یک لفظ را اشتباهاً یا از روی مغالطه عوض کرده اند، یعنی به جای این که بگویند هر معلولی، **علت** می خواهد، گفته‌اند هر موجودی، علت می خواهد. نیز به جای این که بگویند: هر آفریده و پدیده‌ای، **آفریدگار** و پدید آورنده می خواهد، گفته‌اند، هر چیزی آفریدگار و پدید آورنده می خواهد، سپس پرسیده‌اند که پس آفریدگار و پدید آورنده و علت خدا چیست؟

### ← پاسخ به شبه مادی گرایان

پاسخ این اشکال آن است که هر موجودی نیاز به آفریدگار ندارد تا بگوییم خدا هم یکی از موجودات است، پس آفریدگار او کیست؟ ، بلکه هر آفریده‌ای آفریدگار می خواهد و خدا آفریده نیست تا به حکم این قانون آفریدگار بخواند. کاملاً روشن است که اگر موجودی فرض شود که همیشه بوده و هیچ گاه معدوم نبوده تا به وجود آید ، نیاز به آفریده و علت نیز نخواهد داشت.

### ← پاسخ ساده تر به شبهه مادی گرایان

پاسخ سؤال را به بیان ساده تر می توان بیان کرد:

اگر کسی سؤالات ذیل را از شما بپرسد، چه پاسخی به آن می دهید:

رطوبت هر چیز از آب است، رطوبت آب از چیست و از کجا است؟

چربی همه غذاها از روغن است، چربی روغن از چه و از کجا است؟

شوری همه چیز از نمک است، شوری نمک از چیست؟

وقتی به اتاق کار خود یا منزل مسکونی خود نگاه می کنید و می بینید روشن است، از خود می پرسید آیا روشنایی از خود اتاق است؟ فوراً

به خود پاسخ منفی می دهید، زیرا اگر روشنی اتاق از خود می جوشید، نباید هیچ وقت تاریک بشود، در حالی که پاره‌ای از اوقات تاریک و

گاهی روشن است. پس روشنی آن از جای دیگر است. به این نتیجه می رسیم که روشنی اتاق و خانه ما در اثر ذرات یا امواج نور است که

به آن تابیده است. آن گاه از خود سؤال می کنیم روشنی خود نور از کجا است؟ پاسخ این است که روشنی نور از خود آن است.

نیز به سؤالات قبلی پاسخ می دهیم که رطوبت آب، چربی روغن و شوری نمک از چیز دیگری نیست.

این خاصیت طبیعی و ذاتی آنها است. آب ذاتاً مرطوب است. روغن ذاتاً چرب است و نمک ذاتاً شور است. نیز نور ذاتاً روشن است. در هیچ

نقطه جهان نمی توانیم نوری پیدا کنیم که تاریک باشد و چیز دیگر آن را روشن کرده باشد. ذرات نور هر جا باشند، روشن اند و روشنی جزء

ذات آنها است.

روشنایی ذرات نور از چیز دیگر و عارضیتی نیست. ممکن است ذرات نور از بین برود، ولی ممکن نیست موجود باشند، ولی تاریک! بنابراین اگر

کسی بگوید روشنایی هر محوطه‌ای از جهان، معلول نور است، پس روشنایی خود نور از کجا است، فوراً می گوئیم روشنایی نور جزء ذات آن

است.

## هستی خدا از کیست؟

هم چنین هنگامی که سؤال شود هستی هر موجودی از خدا است، پس هستی خدا از کیست؟

### ← پاسخ شبهه

پاسخ می دهیم هستی خدا ذاتی او و از خود او است و از جای دیگر نیست، مانند این که بیرسیم اصل وجود و هستی از چه چیزی به

وجود آمده است؟ و مبدأ اصل وجود چیست؟ معلوم است که اصل وجود و هستی از چیزی به وجود نمی آید، چون هر چیز دیگر غیر از وجود،

عدم و نیستی است و وجود و هستی از عدم و نیستی به وجود نمی آید.

به عبارت دیگر وجود حق تعالی مساوی با وجود مطلق و اصل و حقیقت وجود است و همان گونه که بی معنا است که سوال کنیم، اصل و

حقیقت وجود چگونه به وجود آمده است؟ یا مبدأ آن چیست؟ بی معنا است که بگوئیم که خدا چگونه به وجود آمده است؟ چون فرض چنین

سوالی این است که خدا نبوده و بعد به وجود آمده است و حالا در مورد چگونگی خدا سوال می کنیم. اما وقتی که وجود خداوند ازلی و

ابدی و مساوی با حقیقت و اصل وجود و هستی باشد، فرض این که خدازمانی نبوده است، نیز اشتباه است، پس دیگر نوبت به سوال از

چگونگی به وجود آمدن اصلاً نمی رسد.

در مورد مثال های زده شده نیز باید توجه داشت که منظور از ذاتی بودن رطوبت برای آب، شوری برای نمک، چربی برای روغن و... هرگز این

نیست که مثلاً رطوبت آب چون ذاتی آن است، پس آفریدگاری ندارد، بلکه منظور این است که آفریدگار جهان، آب را طبعاً و ذاتاً مرطوب آفریده

است، به طوری که هرگز نمی توان رطوبت را از آب جدا کرد. همان گونه که وجود و هستی را نمی توان از خداوند جدا فرض کرد. این مثالها

برای نزدیک کردن مطلب به ذهن زده می شود وگرنه بین این مثالها و موضوع مورد بحث، تفاوت زیادی است، زیرا وقتی می گوئیم وجود همه

چیز از خدا است و وجود خدا از او است، یعنی آفریده کسی نیست و وجود و هستی، ذاتی او است.

اما وقتی می گوئیم روشنایی همه چیز از نور است و روشنایی نور از خود او است، معنایش این نیست که نور آفریدگاری ندارد، بلکه

معنایش این است که آفریدگار جهان نور را این طور آفریده است که روشنایی جزء ذات او باشد و روشنایی از نور جدا نیست، همان گونه که

وجود و هستی از خداوند جدا نیست.

### منبع جهت مطالعه

جهت آگاهی بیشتر به کتاب علل گرایش به مادگرایی، استاد مطهری، بحث ریشه نیازمندی اشیاء به علت مراجعه فرمائید.

### پانویس

### منبع

[سایت مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی](#)